

بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان

مطالعه موردی شهروندان شهرستان کاشان در سال ۱۳۹۰

دکتر محسن نیازی*

محمد کارکنان نصرآبادی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۵

چکیده

امروزه مفهوم سبک زندگی به عنوان بیان روش زندگی مردم و الگوهای فرهنگی و رفتاری آحاد جامعه از مفاهیم اساسی علوم انسانی به ویژه روانشناسی و علوم اجتماعی به شمار می‌آید. از سوی دیگر، دینداری به عنوان مجموعه شناخت‌ها، عقاید، اخلاقیات و احکام دینی و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین با کارکردهای عمده حیات بخشی، انضباط بخشی، خوشبختی و انسجام بخشی عامل بسیار نیرومندی در تعیین نوع سبک زندگی، مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. بر این مبنا، در این مقاله، رابطه بین

niazim@kashanu.ac.ir

m.karkonan@kashanu.ac.ir

* استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه کاشان.

** دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

میزان دینداری و سبک زندگی مورد مطالعه قرار گرفته است. در واقع، هدف اساسی این مطالعه تبیین رابطه و چگونگی تعامل و پیوند دو متغیر دینداری و سبک زندگی افراد در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

این تحقیق از نوع مطالعه پیمایشی (Survey study) بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. اعتبار و روایی مقیاس‌های اصلی پژوهش شامل میزان دینداری و سبک زندگی افراد با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام شهروندان شهر کاشان در نیمه اول سال ۱۳۹۰ می‌باشد که با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۶۴۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش سهمیه‌ای تصادفی انتخاب و بررسی شده‌اند. یافته‌های تحقیق رابطه بین میزان دینداری و هر یک از ابعاد سبک زندگی و نوع سبک زندگی پاسخگویان را نشان می‌دهد. در مجموع، نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن ($r_s=0/312$) رابطه معنادار دو متغیر میزان دینداری و نوع سبک زندگی افراد را در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار داده است. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام، اثرات بعد اعتقادی و بعد آگاهی دینداری را به ترتیب با ۲۹ و ۲۸ درصد بر سبک زندگی شهروندان نشان می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی، میزان دینداری، مصرف‌گرایی، الگوهای رفتاری، اعتقاد دینی.

مقدمه

امروزه، با توجه به نقش اساسی دین و دینداری در پوشش‌ها و فرایندهای فردی و اجتماعی و نیز کارکردهای بسیار مهم آن در انسجام و همبستگی اجتماعی و تعیین شیوه زندگی افراد جامعه، صاحب‌نظران و دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی، بر پدیده دین به عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های زندگی انسانی و مهم‌ترین نهاد اجتماعی

تأکید نموده و کارکردهای متعدد و بسیار مهمی برای آن برشمرده‌اند. دین عبارت است از: احساس اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراء طبیعی و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی جهت کسب تقرّب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۷). بر این مبنای دینداری^۱، مجموعه شناخت‌ها، احساس‌ها و تمایلات نسبتاً پایدار و مثبت نسبت به دین است که در وضعیت عادی، طبیعی، اجتماعی و روانی در فرد وجود دارد و در کنش‌های وی نسبت به نیروی خداوند، خود، جامعه و تاریخ به ظهور برسد. دینداری عبارت از «پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی، به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت آن بداند» می‌باشد (یغمایی، ۱۳۸۰: ۱۹۰). در واقع، «دیندار کسی است که با آگاهی (اگر چه در دست کم) به اصول و شعایر یک مذهب، پیروی از آن را در نظر و عمل اتخاذ می‌کند، به نحوی که این پیروی بر زندگی اجتماعی او تأثیر بگذارد» (انوری، ۱۳۷۳: ۱۵۶).

بسیاری از انسان‌شناسان استدلال کرده‌اند که «هرگز نتوانسته‌ایم جامعه‌ای بیابیم که در آن دین موجود نباشد، پس دین به‌عنوان نهادی اجتماعی دارای کارکردهای ویژه می‌باشد» (طالبان، ۱۳۸۰: ۳۵). همچنین، دین برای جامعه معنایی از اجماع را به وجود آورده و آن را تحکیم می‌بخشد، رفتارهای ضد اجتماعی را منع نموده و راه‌کارهایی را برای انسجام دوباره متخلفین پیشنهاد می‌دهد (تنهایی، ۱۳۷۵: ۲۵). دین با ایجاد یک سیستم درونی قوی در انسان‌ها، آنها را از انجام کارهای خلاف باز داشته و باعث می‌شود که آدمیان خود را به طور درونی کنترل نمایند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸). هاری آلپر^۲، کارکردهای انضباط بخشی، انسجام بخشی، حیات بخشی و خوشبختی بخشی را به عنوان چهار کارکرد عمده دین تشریح نموده است (گیویان، ۱۳۷۷: ۲۶). راس^۳ دین

-
1. Religiosity
 2. Alpher . H
 3. Ross

را یکی از اساسی‌ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی می‌داند (کینگ، ۱۳۴۹: ۱۲۱). از دیدگاه شهید مطهری، ایمان به انسان عشق، امید و گرمی، مقصد، جهت، خوب خواستن، الهام بخشیدن به این که چه باید کرد را هدیه می‌دهد و انسان را در مقابل اضطراب‌ها، تنهایی‌ها، احساس بی‌پناهی‌ها و پرنگاری‌ها ایمن می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۹). از سوی دیگر، "سبک زندگی" از مفاهیم بسیار مهم علوم اجتماعی است که اغلب برای بیان "روش زندگی مردم" به کار می‌رود. این مفهوم منعکس‌کننده طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و فعالیت‌های اجتماعی است. سبک زندگی از الگوهای فرهنگی، رفتاری و عاداتی شکل می‌گیرد که افراد به طور روزمره آنها را در زندگی فردی و اجتماعی خود به کار می‌گیرند. سبک زندگی شامل فعالیت‌های معمول و روزانه است که شخص آنها را در زندگی خود به کار گرفته و روی سلامت او تأثیر دارد. در واقع، سبک‌های زندگی الگوهایی برای کنش هستند که مردم را از هم متمایز می‌کنند. سبک‌های زندگی کمک می‌کنند تا آن چه را مردم انجام می‌دهند و چرایی آن و معنایی که برای آن‌ها و دیگران دارند را درک کنیم (چنی، ۱۳۷۸: ۱۱). به عبارت دیگر، اصطلاح شیوه زندگی به روش زندگی مردم اشاره داشته و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها می‌باشد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی است که در پی فرآیند اجتماعی شدن به وجود آمده است (استاجی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۳۴). شیوه زندگی مهم‌ترین عاملی است که هر فرد زندگی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند. بر این اساس، شیوه زندگی، مجموعه عقاید، طرح‌ها و نمونه‌های عاداتی رفتار، هوی و هوس‌ها، تبیین شرایط اجتماعی یا شخصی است که تعیین‌کننده نوع خاص واکنش فرد می‌باشد (میرزمانی و پوراعتماد، ۱۳۸۳: ۴۴۵). همچنین، سبک زندگی به عنوان الگویی از کنش اجتماعی است که تمیز دهنده افراد و گروه‌های اجتماعی از یکدیگر است (ذکائی، ۱۳۸۶: ۲۳). والت (۲۰۰۲) معتقد است که سبک زندگی راه و روش زندگی است که بیان‌کننده ایستارها و ارزش‌های یک فرد یا یک گروه است. آلفرد آدلر می‌گوید سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا

و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (آدلر، ۱۹۵۶:۱۹۱). از دیدگاه ولمن، سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند و خود به واسطه خوبی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد (ولمن، ۱۹۸۱:۱۷۵). با توجه به رابطه دین و دینداری با سبک و شیوه زندگی مردم، بسیاری از صاحب‌نظران بر انعکاس جهان‌بینی، ارزش‌ها و نگرش‌های دینی در سبک زندگی شهروندان تأکید ورزیده و نقش اساسی دین در شکل‌گیری سبک زندگی افراد و گروه‌های اجتماعی را مورد تأکید قرار داده‌اند. بر این اساس، هدف اساسی این مقاله بررسی رابطه بین میزان دینداری و نوع سبک زندگی شهروندان در جامعه آماری مورد مطالعه می‌باشد.

بیان مسأله

در این مطالعه همبستگی و چگونگی رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان مورد مطالعه قرار گرفته است. به طور کلی، محیط اجتماعی- فرهنگی و دین در تعامل با یکدیگر بوده و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. دین غالباً می‌تواند عامل نیرومند تعیین کننده پدیده‌های اجتماعی باشد، به نهادها شکل بدهد، بر ارزش‌ها تأثیر بگذارد و روابط را تحت نفوذ خود بگیرد. دین دائماً به طور متقابل بر محیط اطراف خود تأثیر می‌گذارد و عناصر محیط اجتماعی- فرهنگی را شکل می‌دهد (زاگرمین، ۱۳۸۴:۱۷۵). دین از جمله متغیرهای اساسی است که اغلب صاحب‌نظران و اندیشمندان آن را بعنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل، نوع و روند تغییرات در اجتماع و بر روی افراد مورد تأکید قرار داده‌اند. اهمیت این موضوع از آنجایی است که دینداری دارای کارکردها و اثرات ویژه‌ای در تمام زوایای زندگی بشری است، چرا که افراد دیندار بسیاری از کنش‌ها، افکار، شیوه زندگی، ارزش‌ها و حالت‌های خود را بر اساس دین تعیین نموده و دین را ناظر بر زندگی خود می‌دانند. در دهه اخیر، بسیاری از جامعه-

شناسان و متفکران اجتماعی در بحث کارکردهای دین بر مواردی چون تعریف و معنابخشی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ارائه نظم اخلاقی و تقویت مفاهیم اخلاقی مشترک میان افراد، تقویت عواطف مشترک، تقویت کنترل اجتماعی، کارکرد انسجام بخشی و تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش اضطراب و تعارض‌های ذهنی، جهت‌دهی به نهادهای اجتماعی و مانند آنها تأکید نموده‌اند (آرون، ۱۳۶۴؛ گیدنز، ۱۳۸۱؛ بیتس، ۱۳۷۵؛ مطهری، ۱۳۷۹).

شهید مطهری پیرامون نقش دین بیان می‌کند که «انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد و تبدیل به موجودی مردّد و سرگردان خواهد شد که تکلیف خویش را در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی‌داند» (مطهری، ۱۳۷۹: ۳۳). از دیدگاه دورکیم، دین وسیله استحکام و دوام اجتماعی است. دین با ایجاد پیوند میان پیروان خود، به وسیله انجام مراسم گوناگون و ایجاد ارزش‌ها و باورهای مشترک میان آنها، وحدت اجتماع را تأمین می‌کند (آرون، ۱۳۶۴: ۳۹۲). همچنین، تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورند و از این طریق، پیوندهای مشترک آنها را دوباره تصدیق می‌کنند و در نتیجه، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشند (علمی، ۱۳۸۶: ۴۹). هاری آلپر چهار کارکرد عمده دین از نظر دورکیم را انضباط بخش، انسجام بخش، حیات بخش و خوشبختی بخش (با الهام به امید و آرامش) بیان نموده است (گیدنز، ۱۳۸۱: ۸۶). در واقع، دین از یک سو به عنوان یک منبع اجتماعی، همبستگی و دلبستگی عاطفی را ایجاد و تقویت می‌کند و از سوی دیگر با ایجاد و تقویت مفاهیم اخلاقی مشترک میان افراد و معنا بخشی به هنجارها، افراد را انسجام داده، نوعی نظم اخلاقی را ایجاد و محافظت می‌کند.

همچنین، مفهوم سبک زندگی به عنوان شیوه زندگی مردم و نحوه انتخاب افراد و گروه‌ها در جامعه به عنوان مؤلفه اساسی زندگی اجتماعی انسان معاصر، توجه بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان اجتماعی را به خود جلب نموده است. در این ارتباط،

دین و دینداری به عنوان یکی از عوامل اساسی تعیین نوع سبک زندگی در نظر گرفته شده است.

از نظر کلاکھون^۱ (۱۹۸۵) سبک زندگی مجموعه‌ها یا الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف کننده است (ای. اس. اس، ۱۹۹۱:۳۴۹). وبلن سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری‌اند (وبلن، ۱۸۹۹:۱۰۵؛ به نقل از مهدوی‌کنی، ۲۰۰۵:۱۳۸۶). ویلیام لیزر^۲ (۱۹۶۴)، سبک زندگی را طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم معرفی می‌کند. وی همچنین، سبک زندگی را الگوی رفتاری گروهی می‌داند که در خریدهای مصرف کننده انبوه و روش‌های مصرف انعکاس یافته است. مک‌کی سبک زندگی را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌داند که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر می‌شود. اصطلاحی که در موارد متعدد با پاره فرهنگ مترادف است، مانند سبک زندگی حومه نشینان (مک‌کی، ۱۹۶۹:۸۱).

تیر (۱۹۹۶) سبک زندگی را شیوه زندگی یا به نحو دقیق‌تر، الگوها و شیوه‌های زندگی روزمره تعریف نموده است که نه تنها شامل الگوهای فردی مطلوب از زندگی، بلکه شامل تمام عادات و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک گروه به آنها خو کرده، یا عملاً با آنها سر و کار دارند، می‌شود. بنابراین سبک زندگی به خانه و اثاثیه محدود نمی‌شود و تمام چیزها مانند الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف و لباس را در بر می‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان بینی فرد و گروهی که فرد عضو آن است را منعکس می‌کند. همچنین، مفهوم سبک زندگی در دوره معاصر با هویت افراد ارتباط می‌یابد، فرد معاصر با وجود این که می‌داند مصرف کالاهای ارائه شده برای او کار بیشتری را می‌طلبد، ولی احساس می‌کند که هویت او در خرید این کالا و مصرف آنی

1. clockhon
. lazer

آن می‌باشد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۱۲۴). در مجموع، در یک جامعه دینی، افراد در تعیین شیوه زندگی خود سعی دارند تا در انجام فعالیت‌ها و انتخاب‌های خود بر اساس انتظارات دینی عمل نموده و بر اساس ارزش‌ها، هنجارها و باورهای مبتنی بر دین رفتار نمایند. بر این مبنا، مسأله اساسی این پژوهش تعیین نوع سبک زندگی شهروندان و چگونگی ارتباط آن با میزان دینداری افراد می‌باشد. بدین ترتیب، نحوه تعامل دینداری و سبک زندگی به عنوان مسأله اصلی پژوهش در نظر گرفته شده است.

مباحث نظری

در این بخش، ابتدا مفهوم سبک زندگی به عنوان متغیر وابسته تحقیق ارائه و دیدگاه‌های نظری مربوط به آن مورد بحث قرار گرفته است. پس از آن، موضوع دینداری به عنوان متغیر مستقل تحقیق طرح گردیده است. همچنین، مباحث مربوط به ارتباط دو مفهوم و نقش دینداری در سبک زندگی توضیح داده شده است.

۱- سبک زندگی

سبک زندگی یکی از مؤلفه‌های کلیدی مفاهیم علوم اجتماعی نوین به شمار آمده و در بررسی‌های اجتماعی فرهنگی معاصر به تدریج جایگاه خاصی یافته است. امروزه مفهوم سبک زندگی در زبان انگلیسی در معانی گوناگونی مانند: نوع، روش، سبک اثاثیه، کیفیت برتر در ظاهر، طراحی یا رفتار. تطابق با معیار شناخته شده، شیوه‌ای که برآورنده و مناسب پنداشته می‌شود، خصوصاً در رفتار اجتماعی؛ زیبایی، ظرافت یا سهولت و شیوه یا تکنیک به کار می‌رود (وبستر، ۲۰۰۴: ۵۴۸). همچنین، این مفهوم با معانی نحوه عرضه، خصوصاً در موسیقی یا یکی از هنرهای زیبا، ترکیب طرح‌های مشخص ادبی یا فرضیه‌های هنری (وبستر، ۱۹۹۶: ۹۸)، شیوه‌ای که در آن چیزی گفته یا انجام می‌شود، مثل سبک سخنرانی یا نوشتن (آمریکن هریتیج، ۶۲۴، ۲۰۰۰)، طریقه نوشتار و یا گفتار

که در مقابل محتوا قرارداد، طریقه انجام چیزی به خصوص زمانی که ویژگی یک هنرمند یا دوره هنری باشد (آکسفورد، ۱۹۸۷: ۲۳۵) به کار می‌رود. علاوه بر آن، مفهوم سبک زندگی به معنی شیوه و روش انجام چیزی خصوصاً شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای نوعی باشد؛ اجرا یا انجام اموری که تمایز دهنده فرد یا گروه یا سطح خاصی باشد (وبستر، ۱۹۹۶: ۴۵۲)، طرز نگرش خاص فردی و سلیقه که بیانگر و ممیز راه زندگی است (وبستر، ۲۰۰۴: ۲۱۴) و شیوه انجام چیزی، خصوصاً راهی که نشان دهنده تأکید بر طرز نگرش خاص یا مشخصه دوره معینی باشد (ام. اس. ان. انکارتا، ۲۰۰۴: ۲۳۶) به کار گرفته شده است. زیمیل، سبک زندگی را نماد فردیت برتر، ویلن، آن را نماد سازوکار روحی و عادات فکری، وبر نماد منزلت اجتماعی، بوردیو، گیدنز و جمعی از اندیشمندان متأخرتر، سبک زندگی را نماد هویت فردی و اجتماعی می‌دانند. هندری و همکاران در این خصوص معتقدند سبک، عنصری مرئی در دنیایی از نمادها است که از دیگران دعوت می‌شود تا آن را مطالعه کنند. افراد به مدد این سبک‌ها، هویت خویش را ابراز داشته و اظهاراتی را در مورد فضای اجتماعی و فرهنگی خود بیان می‌دارند (هندری و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۲۷).

تاریخچه سبک زندگی

لفظ سبک به عنوان یک اصطلاح در طبقه بندی متون ادبی، اولین بار توسط ژرژ لوبیل کلرک دو بوفن، نویسنده و طبیعی دان فرانسوی (۱۷۸۸-۱۷۰۷) به کار برده شده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۰). در طی دهه‌های اخیر کاربرد مفهوم سبک زندگی مطابق با تحولات فرهنگی و اجتماعی تغییر کرده است. تا پیش از جنگ جهانی دوم مفهوم سبک زندگی چندان اهمیتی نداشته است. پس از جنگ جهانی دوم، با گسترش پایه‌های اجتماعی دولت رفاه و به وجود آوردن امکان عملی تولید و مصرف انبوه کالاها، به ویژه کالاهای فرهنگی سبب گردید که شیوه‌های زندگی تنوع بسیار بالایی بیابند.

همچنین رشد اقتصادی، ماشینی شدن کار، افزایش دستمزدها و گسترش وسایل تفریح و فراغت، جامعه‌ای را پدید آورد که تمایزات سنتی در آن تا اندازه‌ای محو شدند، بدین معنا که هر فرد و گروه اجتماعی تنها می‌توانست از طریق تنوعی که در انتخاب شغل، محل زندگی، آرایش و پوشاک خود، سلیقه‌های هنری و زیباشناختی، انتخاب سرگرمی‌ها و نحوه گذران اوقات فراغت و حتی شیوه‌های عملی و اخلاقی و دینی خویش در جامعه پیش می‌گرفت، خود را از دیگران متمایز کند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۶۲). بنابراین نیاز به مفاهیمی جدید برای تحلیل جامعه به وجود آمد، بر این مبنای سبک زندگی به عنوان مفهومی که بتواند تحول پدید آمده را در خود بروز داده و برنامه پژوهشی جدیدی را نیز پیش روی علوم اجتماعی قرار دهد (ازکیا و حسینی، ۱۳۸۷: ۲۱) مطرح شد. به طور کلی باید گفت سبک زندگی از مفاهیمی است که با وجود این که به طور ضمنی در اندیشه و آراء ماکس وبر و تورستین وبلن وجود دارد، ولی حیات آن متعلق به دو دهه اخیر و متأثر از آثار پی‌یر بوردیو و تحول در نظام طبقاتی و شکل‌گیری زندگی شهری با جوانان و نسل جدید است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۱).

شاخص‌های سبک زندگی

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم «سبک زندگی» از نظر اندیشمندان گوناگون دست یافت، بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که آنان برای سبک زندگی بر شمرده و یا در تحقیقات خود از آنها به عنوان شاخص بهره برده‌اند. عناصری که زیمل، وبلن و وبر در آثار خود از آنها یاد کرده‌اند، عبارت از شیوه تغذیه، خود آرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح و اطفار (رفتارهای حاکی از دست و دل بازی) و مانند آن می‌باشد. در دو دهه اخیر دانشمندان علوم اجتماعی شاخص‌های

متعددی را برای سبک زندگی ارائه نموده‌اند. کلاکهن (۱۹۵۸) در مورد شاخصه‌های مورد مطالعه سبک زندگی در دهه پنجاه، به رفتارهای شخصی مصرفی که حاکی از ترجیحات فردی مانند نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، تفریحی و ورزشی، نحوه بازی کردن و لباس پوشیدن باشد، اشاره نموده است (اس. ای. اس، ۱۹۸۵: ۳۳۰). گِرُذُن (۱۹۶۳) در مطالعه سبک زندگی، بر عواملی مانند الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه مندی در فرهنگ مانند امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن پرستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها تأکید نموده است. لوید وارنر^۱، در پژوهش سبک زندگی یانکی سیتی، افزون بر نحوه گذران اوقات فراغت و تفریحات و سلیقه‌های ورزشی، به تفاوت‌های دینی و چشم اندازهای اخلاقی، ارزش‌های سیاسی، الگوهای زندگی خانوادگی، روابط زناشویی و تربیت کودک اشاره نموده است (مک‌کی، ۱۹۶۹: ۲۷۵). ابرین و دیگران (۱۹۶۹: ۳۲) معتقدند سبک زندگی در شهرنشینی آمریکای اواخر دهه ۱۹۶۰ در مواردی مانند محل زندگی، مشارکت‌های محلی، نوع منزل و نوع مدرسه محل تحصیل فرزندان تجسم می‌یافت. ون هوتن، عناصر سبک زندگی در خانواده را شامل اثاثیه، اشیاء هنری، انواع لباس پوشیدن‌ها، مواد خواندنی، آلات موسیقی، سلیقه در غذا و نوشیدنی‌ها، روش پخت، نوع صحبت کردن در خانه، نوع گذران اوقات فراغت، بودجه بندی، روابط با فرزندان، ضوابط و روش‌های تربیت کودک، تراکم جمعیت ساکن در خانه و محل و نوع و ویژگی‌های اشتغال اعضای خانواده بیان نموده است (ون هوتن، ۱۹۷۰: ۷۳). جی. ای. ویل (۱۹۸۹)، معتقد است سبک زندگی علاوه بر مصرف، ارزش‌ها، نگرش‌ها، مسائل جمعیت شناختی، تفاوت‌های جنسی، موقعیت اقتصادی، شغل، طبقه‌بندی اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت را نیز در بر می‌گیرد (ویل، ۱۹۸۹: ۲۱۵). جرالده لسلو و دیگران، به تحقیق قابل توجهی اشاره می‌کنند که در آن، بیشتر شهرنشینان مورد

سؤال، شناخت خود از موقعیت اجتماعی دیگران را با توجه به عوامل سبک زندگی ایشان و در رأس آن لباس و سپس طرز حرکات و سبک محاوره به دست می‌آورند. لسلو و دیگران، از جمله عوامل سبک زندگی را سلیقه (مانند سلیقه در انتخاب نوشیدنی، تجهیزخانه، مواد خواندنی و گذران اوقات فراغت) و آداب معاشرت و در یک بیان کلی، الگوهای مصرف می‌دانند (لسلو و دیگران، ۱۹۹۴: ۳۷۰). فرن، در بحث مؤلفه‌های سبک زندگی بر فعالیت‌ها (مانند کار، سرگرمی و تفریحات)، علاقه‌مندی‌ها (مانند خانواده و رسانه) و عقاید (مانند موضوعات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی) تأکید نموده است. همچنین، برلسون و استینر، مؤلفه‌های سبک زندگی را در مواردی چون اوقات فراغت و ذوقیات و نحوه مصرف مناسب پول پی‌گیری نموده و مواردی مانند رسیدگی به وضع ظاهری و لباس، آداب معاشرت، سلیقه زیبا شناختی، سرگرمی‌ها و خوردنی‌ها را به عنوان شاخص‌های سبک زندگی مطرح نموده‌اند. سوبل تأکید می‌کند که الگوی مصرف مشاهده شونده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است (سوبل، ۱۹۸۱: ۱۲۱). لامونت و همکاران (۱۹۹۶: ۳۲) ضمن تأکید بر شیوه سازمان دادن زندگی شخصی، الگوی تفریح و مصرف را بهترین شاخص سبک زندگی بیان نموده‌اند. دیوید چینی، سبک‌های زندگی را سازمان اجتماعی مصرف دانسته و معتقد است سبک زندگی شیوه الگومند مصرف و درک یا ارج نهادن به محصولات فرهنگ مادی است. گرژن، در جمع بندی خود چند عامل مهم را در مطالعه سبک زندگی شامل الگوهای مصرف، نوع لباس، نحوه صحبت، نگرش‌ها و الگوهای مربوط به نقاط تمرکز علاقه مندی در فرهنگ مانند امور جنسی، عقلانیت، دین، خانواده، میهن پرستی، آموزش، هنرها و ورزش‌ها برشمرده است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۶۸). مارتین سگالن، جامعه شناس فرانسوی، در جمع بندی خود از تحقیقات در مورد سبک زندگی بر سه محور مسکن (فضای داخلی خانه و تقسیم بندی فضاهای خصوصی و فضاهای عمومی و تفریحی داخلی و خارجی)، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی و اتکاء در امور و حوادث و تأثیر این روابط بر نوع گذران اوقات فراغت و نوع نگاه و رفتار در مورد اشتغال زنان و

۱۸۵ بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی... ۱۸۵

تقسیم کار در زندگی زناشویی تأکید نموده است (همان: ۲۲۳). علاوه بر آن، هندری معتقد است که از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد، ابعاد سلامت و بهداشت نیز به منزله یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی مورد توجه قرار گرفته است (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

به طور کلی می‌توان مؤلفه‌های سبک زندگی را شامل موارد زیر دانست:

(۱) الگوهای مصرفی و نمادهای منزلتی: مسکن و املاک، اتومبیل، تلفن همراه، تزئینات و دکوراسیون، پوشش ظاهری.

(۲) الگوهای رفتاری: طرزگذران اوقات فراغت، تفریحات و ورزش، نوع بیان و لهجه، لحن و گفتار، طرزآرایش و پیرایش ظاهر.

(۳) نمادهای فرهنگی: نمادهای بومی - محلی، نمادهای ملی، نمادهای فراملی و جهانی، نمادهای سنتی، نمادهای مدرن.

(۴) نقش‌های اجتماعی: نقش‌های مبتنی بر روابط شغلی و حرفه‌ای، نقش‌های شخصی، نقش‌های اجتماعی، نقش‌های خانوادگی و خویشاوندی.

(۵) ارزش‌های اجتماعی: جمع‌گرایی و فردگرایی، آینده‌نگری و گذشته‌گرایی، کار و تلاش فردی و جمعی، تقسیم کار، تخصص‌گرایی، ثروت و دارایی، امنیت و آسایش، معنویت‌گرایی، دنیاگرایی، قدرت‌مداری، خوشبختی و سعادت، حرمت و احترام و قانون‌گرایی (رسولی، ۱۳۸۳: ۶۱).

نظریه‌های سبک زندگی

در جریان رواج مصرف‌گرایی و امکان انتخاب و گزینش کالاها، افراد صاحب سبک زندگی شدند. نشانه‌های گسترش سبک زندگی حاصل از جامعه مصرفی را جامعه شناسانی چون وبلن، وبر و زیمل در اوایل قرن بیستم به تصویر کشیدند. وبلن و زیمل سبک زندگی طبقه متوسط کلان شهر را تحلیل کردند. سبکی که در آن مصرف لباس، زیورآلات و انواع کالاهای لوکس نقشی محوری داشت (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶: ۷۵).

از دیدگاه تورشتاین و بلن^۱، داشتن سبکی خاص به معنای چیزی بیشتر از علائق خاص فراغت است. داشتن سبک زندگی خاص و خودنمایی برای نشان دادن تعلق به گروهی خاص در جامعه به برجسته کردن تمایزهای گروه‌های دیگر منجر شده است (گیبیز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۲۴). به نظر وی، ثروت مهم‌ترین عامل کسب منزلت است که باید نمود خارجی داشته باشد و بهترین نمود آن مصرف تظاهری و نمایشی است. برای نمونه، افراد با نوع پوشش، آرایش و زیورآلات، خود و طبقه خود را از سایرین متمایز می‌کنند (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶: ۷۹). در یک فرهنگ رقابتی که انسان‌ها ارزش شان را در مقایسه با ارزش دیگران می‌سنجند، هر کسی پیوسته در تکاپوی آن است که از همسایگانش پیشی گیرد و تب چشم و هم چشمی همگان را فرا می‌گیرد. به نظر و بلن، مصرف چشمگیر، تن آسانی چشمگیر و نمایش چشمگیر نمادهای بلند پایه‌گی، وسایلی هستند که انسان‌ها با آنها می‌کوشند تا در چشم همسایگان‌شان برتر جلوه کنند و در ضمن، برای خودشان نیز ارزش بیشتری قائل شوند، چرا که، «مصرف چشمگیر کالاهای گران‌قیمت، وسیله کسب آبرومندی برای نجیب زادگان تن آسان است» (و بلن، ۱۳۸۳: ۱۱۵).

زیمل در تحلیل مصرف‌گرایی جامعه مدرن، بر مقوله‌ای همچون مد تأکید نموده است. به نظر وی، مصرف کالاها و ایجاد سبک‌های زندگی از سویی برای فرد هویت‌بخش بوده و از سویی دیگر متمایزکننده است. زیمل در مقاله «مد^۲» دلایل متعدد تغییر مد در فرهنگ مدرن را بررسی نموده و نتیجه می‌گیرد که مردم سریع‌تر به مدهای جدید و متفاوت جذب می‌شوند؛ زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند. به نظر زیمل، در جوامع اولیه، افراد هویت خود را از گروه می‌گرفتند و از این رو، بسیار همگن بودند؛ اما در جوامع مدرن فرآیند هویتی فردی شده است. به نظر وی، در شهرهای بزرگ، شخص مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود

1. Thorstein Veblen (-)

2. Mode

بسازد (باکاک، ۱۳۸۱: ۲۶). بر این مبنا، اگرچه دنیای مدرن منجر به آزادی فرد از اسارت شده، اما خود محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کرده است؛ به نحوی که افراد برای حفظ آزادی خود به پدیده‌هایی چون مد پناه می‌برند تا به واسطه آن هویت خود را تعریف کنند (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶: ۵۶). وبر در مطالعات تاریخی گسترده خود روشن ساخت که نمی‌توان کنش‌های اجتماعی (جامعه‌ای) را صرفاً با اتکاء به مفاهیم اقتصادی درک کرد؛ چرا که حتی در ارزیابی منافع اقتصادی نیز اندیشه‌های ناشی از خرده فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی مؤثرند (بندیکس، ۱۳۸۵: ۹۸). در مفهوم گروه‌های منزلتی وبر در هر طبقه نیز می‌توان سبک‌های زندگی متفاوتی را مشاهده کرد. وبر سبک زندگی را شامل شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت است، می‌داند (سویل، ۱۹۸۱؛ به نقل از فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸).

پی‌یر بوردیو جامعه معاصر را جامعه متمایز بر اساس وجود انواع سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌داند. بدین لحاظ، جامعه مورد نظر بوردیو هم پیچیده تر و هم توسعه یافته‌تر از جامعه‌ای است که مارکس و وبر از آن سخن گفته‌اند. او برای بیان این معنی از نظام مفهومی جدیدی مانند ذائقه، میدان، انواع سرمایه و به طور خاص سرمایه فرهنگی، ذائقه، مصرف و سبک زندگی استفاده کرده است (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۲۳۱). بوردیو با مفهوم «فضای اجتماعی»^۱ سبک‌های زندگی گوناگون را نشان می‌دهد. مردمی که به طور نزدیک در یک فضای اجتماعی قرار دارند، دارای مشابهت‌های بسیاری هستند؛ حتی اگر هرگز یکدیگر را ندیده باشند. به عبارت دیگر، مردمی که در فضای اجتماعی مشابهی قرار دارند، ذائقه‌های مشابه و سبک‌های زندگی مشابه دارند (گیبینز و ریمر، ۱۳۸۱: ۱۱۶). در واقع، به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از سبک زندگی‌ها و ذائقه‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به

وجود می‌آیند و به وسیله این سلیقه‌ها و ظرفیت تکثیرکننده آنها، مجموعه انتظام یافته‌ای از ثروت‌ها و خصلت‌ها به وجود می‌آید که در درون خود از نوعی وحدت سیره‌ها برخوردارند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۵). بوردیو در کتاب تمایز (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که چگونه گروه‌های خاص، به ویژه طبقات اجتماعی-اقتصادی، از میان انواع کالاهای مصرفی، روش‌های لباس پوشیدن، غذا خوردن، آرایش کردن، مبلمان و تزئین داخلی منزل و... انتخاب‌هایی را انجام می‌دهند تا روش زندگی مجزای خود را مشخص و خود را از دیگران متمایز کنند. بوردیو شیوه‌هایی را تحلیل کرد که گروه‌های گوناگون خود را به وسیله آن از الگوهای مصرفی که شیوه زندگی یک گروه را مشخص می‌سازد متمایز می‌کنند. از دیدگاه بوردیو، ذوق مولد دو دسته نظام است: نظامی برای طبقه بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل دو نظام، سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه خاص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاصی هستند. در واقع، «سبک زندگی حاصل ترجیحات افراد است که به صورت عمل درآمد و قابل مشاهده هستند» (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۵-۴۲). در این ارتباط، مفهوم سلیقه به عنوان یکی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با سبک زندگی، ارائه شده است. در واقع، محور مفهوم سبک زندگی مفهوم سلیقه است و برای رسیدن به درک درست و تعریف به نسبت دقیقی از سبک زندگی، باید آن را لحاظ کرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). بوردیو در کتاب «تمایز: نقد اجتماعی داوری سلیقه»^۱ به مطالعه مفهوم سلیقه پرداخته و آن را «ترجیحات به نمایش درآمده»^۲ می‌داند. از نظر او سلیقه، ظرفیت تولید فعالیت‌ها و محصولات قابل طبقه بندی و ظرفیت فرق گذاری و درک اهمیت این فعالیت‌ها و محصولات است (بوردیو، ۱۹۸۴: ۵۶). سلیقه به عنوان نوعی از جهت‌گیری اجتماعی عمل می‌کند. احساس جای کسی بودن که اشغال کنندگان، جایگاه معینی در فضای اجتماعی را به سوی موقعیت‌های

1. Distinction: A Social Critique of the Taste Judgment

2. Manifested Preferences

اجتماعی‌ای که با دارایی‌های آنها تطابق دارد و فعالیت‌ها و کالاهایی که با اشغال کنندگان آن جایگاه تناسب دارد، هدایت می‌کند. در واقع، سلیقه اصلی است که مردم را قادر می‌کند در میان کالاهای طبقه بندی شده آنچه مناسب ایشان است را بشناسند (بورديو، ۱۹۹۳: ۱۰۸).

۲- دینداری

واژه دین در لغت به معنای مذهب، ورع، اطاعت، پاداش (عمید، ۱۳۶۹: ۶۷۳)، انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزا (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۹۳) و قید و بند، الزام، تعهد، تکریم، تقدیس، شریعت (علیزاده، ۱۳۷۷: ۴۳) آمده است. الیاده معتقد است تعاریف از دین آن قدر متعدد و متنوع است که حتی ارائه فهرست ناقصی از آنها غیرممکن است (الیاده، ۱۳۷۵: ۶۰). در فارسی کهن و در کتاب زرتشت از کلمه دین به صورت «دئنا» و به معنای وجدان و ضمیر پاک نام برده شده است (شکور، ۱۳۵۹: ۶). دین در زبان لاتین به معنای اعتقاد و بستن پیمان وفاداری به آداب و رسوم و اعمال ناشی از باورهای مذهبی است. کاوش‌های باستان‌شناسان و بررسی‌های تاریخی حاکی از آن است که دین همزاد بشر بوده و از آغاز تاریخ زندگانی بشر، هیچ‌گاه از زندگی او بیرون نرفته، هر چند حضورش با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است (جان‌ناس، ۱۳۵۴). از دیدگاه تایلر، دین «اعتقاد به هستی‌های روحانی» است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۶). بی‌تس معتقد است دین هر گونه نظام باورداشت‌ها، نمادها و مناسکی است که زندگی را معنادار و درک‌پذیر می‌سازند (۱۳۷۵: ۷۰۹). از دیدگاه هابرماس زندگی بدون دین معنادار نیست (علیخانی، ۱۳۸۳: ۳۲). در بین عناصر فرهنگ‌ساز بشری، دین نقش تعیین‌کننده و بسیار قوی را بر عهده دارد و به تعبیری، فرهنگ دینی می‌تواند حیات بخش، توسعه‌آفرین و تمدن‌ساز باشد (بازرگان، بی‌تا: ۹). پترسون و دیگران

معتقدند «قوانین فراوانی وجود دارد که انسان‌ها به نحو اجتناب ناپذیری دینی هستند و دین نیرویی قوی در زندگی بشر است» (پیترسون، ۱۳۷۷: ۱۷).

واژه دین در اسلام به سه معنا به کار رفته است. در مورد نخست، دین به مفهوم خضوع، فروتنی و اخلاص و تسلیم اوامر پروردگار می‌باشد. معنای دیگر دین، یعنی نظامی که دارای یک سلسله عقاید و بینش‌ها درباره خدا، جهان، انسان و جهان دیگر و یک سلسله دستورها برای این که در زندگی چگونه باید رفتار کرد، می‌باشد. همچنین، دین در قرآن به معنای قیامت و جزا آمده است (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۸ و ۱۹). از دیدگاه امام علی (ع) ایمان با اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضاء و جوارح محقق می‌گردد (مطهری، ۱۳۷۹: ۹۸). بیشتر علمای اسلام، دین را مجموعه تعالیم و دستوراتی تعریف کرده‌اند که خداوند از طریق پیامبران خود برای هدایت بشر فرستاده است. این تعالیم و دستورات را می‌توان به سه بخش «عقاید»، «اخلاقیات» و «احکام» تفکیک کرد (طالبان، ۱۳۸۰: ۴۹).

در بحث کارکردهای دین باید گفت کارکرد اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود برجای می‌گذارند و هرگاه همراه و پیشوند واژه «دین» می‌شود، آثار و خدماتی است که از دین بر می‌آید و یا انتظار آنها از دین می‌رود (رشیدی تبریزی، ۱۳۸۶: ۳۱). به طور کلی در تعاریف کارکردگرایانه بر کارکردهای زیر در ارتباط با دین تأکید شده است (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۳۹):

- انسجام بخشی، تسریع در امر جامعه‌پذیری، تقویت پایه‌های کنترل اجتماعی و کنترل درونی و همچنین تنظیم و هدایت تغییرات اجتماعی.

- تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و ارائه نظم اخلاقی و تقویت عواطف

مشترک.

- پاسخ به سؤالات اساسی بشر درباره منشأ عالم، خلقت انسان، معنا و هدف زندگی و پر کردن خلأهای توجیهی حوادث و رخدادهای ناشناخته و کاهش تعارضات ذهنی.

- تسکین رنج‌ها و کاهش نوسان‌های زندگی و افزایش ظرفیت تحمل پذیری و تمکین توأم با آرامش خاطر.
- مشروعیت بخشی به تنظیمات جمعی، جهت دهی به نهادهای اجتماعی و ایجاد پشتوانه ایدئولوژیک و دورنمای آرمانی برای جنبش‌های سیاسی.

ابعاد دینداری

به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی با وجود تفاوت‌هایی که در جزئیات دارند، عرصه‌های مشترکی دارند که دینداری در آنجا متجلی می‌شود. این عرصه‌ها که می‌توان آنها را ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارتند از: بُعد اعتقادی، بُعد مناسکی، بُعد تجربی، بُعد فکری و بُعد پیامدی.

۱. بُعد اعتقادی یا باورهای دینی: نوعی ادراک فردی برخاسته از معرفت دینی که به فرد بینش خاصی نسبت به حقایق اصول دینی ارائه می‌دهد. در واقع، بُعد اعتقادی عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدان اعتقاد داشته باشند، همچون اعتقاد به وجود خدا، بهشت و جهنم، نبوت، عدالت، امامت در بین شیعیان، قرآن و مانند آن.

۲. بُعد مناسکی: آداب و رسوم تدوین شده در میان معتقدان به دین، رفتارهای نمونه بعد مناسکی به حساب می‌آیند. مناسک به طور کامل، مراسمی هستند که هر دین از پیروان خود انتظار دارد آنها را به جا آورند. مناسک و رفتارهای دینی را می‌توان در دو بُعد فردی و جمعی در نظر گرفت: مناسک فردی مانند نماز خواندن، روزه گرفتن، قرآن خواندن و مناسک جمعی همچون نماز جماعت و جمعه، شرکت در مراسم دینی و مانند آن می‌باشد.

۳. بعد تجربی: موقعیت‌های برتر ایجاد شده‌ای که فرد در آنها خود را رویاروی و مواجهه با یک شعور برتر مانند احساس حضور خدا در کارهای روزانه، ترس از گناه، توبه و خواب‌های دینی احساس می‌کند.

۴. بعد آگاهی یا دانش دینی: این بعد شامل کمترین آگاهی فرد مؤمن از دین مورد قبول خود است. شناخت از اصول و فروع دین و سنت‌ها، تاریخ و سایر امور دینی در کمترین سطح ممکن لازم است تا فرد را به عمل دینی بکشاند. همچون دانستن تعداد سوره‌های قرآن، تاریخ زندگی پیامبر و ائمه، رویدادهای مهم دینی و احکام و ...

۵. بعد پیامدی: این بعد، ناظر بر رفتار روزمره و غیر دینی افراد است. حضور و وجود اندیشه و حسی خداگرایانه در متن زندگی که در رفتار غیر دینی فرد استحکام می‌یابد و به زندگی او رنگ و بوی دینی می‌دهد، از نتایج و پیامدهای دینداری است. نگرش افراد به پیامد مواردی همچون بی‌حجابی، مصرف مشروبات الکلی، غیبت کردن و مانند آنها در جامعه بعد پیامدی دینی را شامل می‌شود (فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸: ۸۷).

۳- دینداری و سبک زندگی

هر چند در هیچ فرهنگی انتخاب در امور روزمره به طور کلی حذف نمی‌شود، اما عرصه زندگی در جامعه پیچیده امروزی، تنوع خاصی از انتخاب‌های ممکن را پیش روی فرد قرار می‌دهد. در این میان، با توجه به نقش فعال دین در زندگی مردم، دین و ارزش‌های دینی و اخلاقی به عنوان یکی از متغیرهای اجتماعی بسیار مهم و تأثیرگذار در سبک و شیوه زندگی، مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان قرار گرفته است. باورها و ارزش‌ها در میان مردم مشترکند و به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارند. اشخاص برای صیانت از ارزش‌ها و باورهایشان مبارزه می‌کنند و برای حفظ آنها می‌کوشند و چون کارکردهای گوناگون و متعددی دارند، نقش و تأثیر شگرفی در حیات فردی و اجتماعی ملت‌ها بر جای گذاشته و می‌گذارند. بنابراین در یک جامعه دینی، افراد

می‌کوشند بر اساس باورهایشان رفتار کنند. اعتقاد به باورها و عمل به آنها می‌تواند بر شیوه زندگی فردی و اجتماعی آنان تأثیرگذار باشد.

در تاریخ بشر، دین و دینداری به عنوان یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر روش زندگی مردم و سبک زندگی آنان مطرح بوده است. در واقع، مفهوم سبک زندگی منعکس کننده طیف کاملی از ارزش‌ها، عقاید و باورهای دینی محسوب می‌گردد. بر این مبنا، سبک و شیوه زندگی که شامل مجموعه عقاید، باورها و عواملی که هر فرد، زندگی خود را بر اساس آن تنظیم می‌نماید تا حد بسیاری متأثر از اعتقادات و ارزش‌های دینی و نیز مناسک و فعالیت‌های اجتماعی مذهبی می‌باشد، چرا که افراد دیندار بسیاری از شیوه‌های زندگی خود را بر اساس دین تعیین می‌نمایند. از دیدگاه والٹ (۲۰۰۲) سبک زندگی راه و روش زندگی است که بیان کننده ارزش‌های یک فرد و گروه می‌باشد. چنی (۱۳۷۸:۱۱) الگوهای رفتاری و فرهنگی در زندگی فردی و اجتماعی را منشأ سبک زندگی بیان نموده است. همچنین مک‌کی (۱۹۶۹:۸۱) سبک زندگی را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک گروه و جامعه تلقی نموده است. از دیدگاه تیر، سبک زندگی علاوه بر الگوهای روابط اجتماعی، مصرف و لباس، انعکاس دهنده نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی که فرد عضو آن است، نیز می‌باشد. بوردیو معتقد است، با برآورده شدن ضرورت‌ها و نیازهای فرد، او فرصت می‌یابد به فعالیت‌ها و دارایی‌های سبک ببخشد و از انتخاب‌های زیبایی شناختی خود لذت ببرد. این امر می‌تواند بر نوع و میزان نیازمندی فرد اثر گذارده و در فرآیند سبک-دهی به زندگی مؤثر واقع شود. در واقع سبک زندگی افراد با باورهایشان ارتباط دارد. همان گونه که خود افراد اذعان دارند، در فرهنگ جامعه و در محل زندگی افراد، عناصر دینی حضوری پررنگ دارند. بنابراین، عناصر دینی می‌توانند بر الگوی رفتار یا سبک زندگی افراد تأثیرگذار بوده و با آنها مرتبط باشند. افراد سبک زندگی‌شان را به شیوه‌ای انتخاب می‌کنند که مورد پذیرش سایر افراد یا همان فرهنگ موجود جامعه باشد، بدین ترتیب افراد در ایفای نقش‌شان در این موقعیت، جنبه مورد پذیرش جامعه را به نمایش

می‌گذارند و به گونه‌ای عمل می‌کنند که دیگران را نیز تحت تأثیر خویش قرار دهند و رفتار مصرفی یا سبک زندگی آنان با انتظاراتی که جامعه از آنان دارد، سازگار است (تنهایی و خرمی، ۱۳۸۹: ۳۰).

علاوه بر مباحث نظری صاحب‌نظران در مورد رابطه بین دینداری و سبک زندگی، پژوهش‌های گوناگونی نیز از سوی محققین در این ارتباط صورت گرفته است. تحقیق کانور و لنگستون (۱۹۸۹) نشان داده است که سه مفهوم طرح‌واره، وظایف زندگی و راهبردهای شناختی سه حیطه گوناگون عاطفی، شناختی و رفتاری سبک زندگی فرد را تشکیل می‌دهند. تنهایی و خرمی (۱۳۸۹) در مقاله بررسی رابطه جامعه شناختی باورهای دینی و سبک زندگی براساس نظریه و روش گافمن به بررسی جامعه شناختی رابطه باورهای دینی با سبک زندگی پرداخته‌اند. این پژوهش با چارچوب نظری و روش اروینگ گافمن در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۸ انجام شده است. پژوهشگر درصد بوده تا رابطه باورهای دینی با سبک زندگی افراد را در جلو صحنه و پشت صحنه زندگی آنان مورد بررسی قرار دهد. برای رسیدن به این اهداف از روش میدانی و شیوه مشاهده مشارکتی و مصاحبه غیررسمی استفاده شده و با افراد شاخص در گروه نیز مصاحبه غیررسمی به عمل آمده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که افراد در موقعیت جلو صحنه جنبه‌ای از خود را به نمایش می‌گذارند که مورد پذیرش دیگران و فرهنگ موجود جامعه باشد. با توجه به تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با افراد شاخص گروه، میان باورهای دینی و سبک زندگی افراد چه در جلو صحنه و چه در پشت صحنه ارتباط معناداری برقرار است.

علاوه بر آن، در مطالعه خواجه نوری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه سبک زندگی به عنوان پدیده‌ای مدرن با مطالعه دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستانی شهر شیراز و بررسی ۴۳۵ نمونه، رابطه بین متغیرهای سبک مذهبی و برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی به دست آمده است.

با توجه به مباحث ارائه شده در زمینه سبک زندگی و دینداری، در این مطالعه از رویکرد کارکردگرایی و تفسیرگرایی به عنوان چارچوب نظری پژوهش استفاده شده است. در این ارتباط، ارزش‌ها و باورهای دینی برای افراد جامعه به عنوان معتقدان دین و نحوه تعبیر و تفسیر آنان از ارزش‌های دین در نحوه رفتار و انتخاب‌های آنان اثرگذار می‌باشد. از دیدگاه کارکردگرایی، دین به عنوان نهادی اجتماعی دارای کارکردهای خاصی می‌باشد (طالبان، ۱۳۸۰: ۳۵)، همچنان که دین از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم به کنترل اجتماعی فرد کمک مؤثر می‌کند (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۳۳۶). در واقع، دین زندگی اجتماعی سالم را با عطف و ملاحظه در کنار انسان‌های دیگر میسر و نظام اجتماعی را منسجم و مستحکم ساخته است. همچنانکه از آن به عنوان سیما اجتماعی تعبیر شده است (رفیع‌پور، ۱۳۷۶: ۳۰۶). در مجموع، رویکردهای کارکردگرایی در صدد تبیین این نکته هستند که چگونه دین به عنوان نهاد اجتماعی در دنیای معاصر بر پوشش‌های اجتماعی و فرهنگی اثرگذار بوده و تا حد زیادی، محتوا و صورت‌های رفتاری بشری، هویت فردی و اجتماعی و سبک زندگی فردی و گروهی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است.

از سوی دیگر، «معانی از فرایند کنش متقابل میان مردم برمی‌خیزد. معنی یک چیز برای هر شخصی، از راه‌هایی سرچشمه می‌گیرد که دیگر اشخاص با توجه به آن و در برابر آن، کنش می‌کنند. کنش دیگران تعریفی از یک چیز را برای شخص فراهم می‌کند» (تنهایی، ۱۳۸۸: ۷۷). بر این مبنا، افراد براساس فهم و برداشت خود از معانی مرتبط با باورهای دینی و سبک زندگی متناسب با موقعیت و تفسیرشان از کنش دیگران، دست به کنش متقابل می‌زنند و به اجرای نقش می‌پردازند.

بنابراین افراد در ایفای نقش خود با بهره‌گیری از تفسیر کنش متقابل، دست به کنش می‌زنند، این کنش نیز کورکورانه و از سر تقلید نیست، بلکه با درک معانی سایر کنشگران و تفسیر آنها به کنش متناسب با آن موقعیت می‌پردازند. به نظر می‌رسد که در

مورد واقعی یا کاذب بودن نقشی که افراد در موقعیت جلو صحنه ایفا می‌کنند، به راحتی نمی‌توان قضاوت کرد، زیرا باورهای دینی اموری درونی هستند و عمل به آنها می‌تواند هم صادقانه و هم ریاکارانه باشد (تنهایی و خرمی، ۱۳۸۹: ۳۴). با توجه به مباحث مطرح شده و اهمیت مطالعه رابطه بین دینداری و سبک زندگی شهروندان، در این مطالعه، رابطه دینداری و هر یک از ابعاد دینداری بر سبک زندگی و مؤلفه‌های آن مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، سؤال اساسی پژوهش بررسی این نکته است که آیا رابطه خاصی بین میزان دینداری و سبک زندگی افراد وجود دارد؟ همچنین، رابطه بین دینداری و هر یک از مؤلفه‌های سبک زندگی چگونه است و متقابلاً کدام یک از ابعاد دینداری نقش تعیین کننده‌ای در سبک زندگی افراد ایفا می‌کنند؟ با توجه به موارد یاد شده، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین گردیده است:

- بین میزان دینداری و ابعاد سبک زندگی افراد رابطه وجود دارد.
- بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان رابطه وجود دارد.
- بین ابعاد دینداری و نوع سبک زندگی افراد رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی^۱ بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع آوری گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش هر یک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های مربوطه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. پس از جمع آوری داده‌های تحقیق، با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS و فعالیت‌های آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

تعریف مفاهیم

۱- میزان دینداری: دینداری به عنوان پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به نحوی که فرد خود را ملزم به تبعیت و رعایت آن بداند، تعریف گردیده است. در این تحقیق برای سنجش مفهوم دینداری افراد، از مدل گلاک و استارک به عنوان مدل نسبتاً جامع و فراگیر استفاده شده است. بر این مبنای میزان دینداری با توجه به ابعاد تجربی، پیامدی، آگاهی، اعتقادی و مناسکی مورد بررسی قرار گرفته است (فرجی، ۱۳۸۸؛ علیخواه، ۱۳۸۳).

۲- سبک زندگی: سبک زندگی به عنوان الگوها و ترجیحات فردی در رفتار مصرف‌کننده شناخته شده است. در این تحقیق برای سنجش مفهوم سبک زندگی با توجه به پژوهش رسولی (۱۳۸۳)، سبک زندگی در ابعاد مصرف‌گرایی و توجه به نمادهای منزلتی، الگوهای رفتاری، نقش‌های خانوادگی و خویشاوندی، قانون‌گرایی و نقش‌های شغلی مورد بررسی قرار گرفته است. اعتبار و روایی مفاهیم یاد شده با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است. در جدول ۱ نتایج ضریب آلفای کرونباخ در این ارتباط ارائه گردیده است.

جدول ۱- نتایج ضریب آلفای کرونباخ

دینداری	آلفای کرونباخ	سبک زندگی	آلفای کرونباخ
بعد اعتقادی	۰/۷۴	مصرف‌گرایی و نمادهای منزلتی	۰/۷۲
بعد تجربی	۰/۸۸	الگوهای رفتاری	۰/۷۴
بعد پیامدی	۰/۷۲	نقش‌های خانوادگی و خویشاوندی	۰/۷۵
بعد آگاهی	۰/۸۵	قانون‌گرایی	۰/۷۸
بعد مناسکی	۰/۸۳	نقش‌های شغلی	۰/۷۹

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت فعال شهر کاشان در سال ۱۳۹۰ (بر مبنای سرشماری سال ۱۳۸۵) می‌باشد. با بهره‌گیری از فرمول نمونه‌گیری کوکران تعداد ۶۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش سهمیه‌ای تصادفی، افراد مورد مطالعه انتخاب گردیده‌اند. روش تعیین حجم نمونه در فرمول زیر ارائه گردیده است.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا یافته‌های تحقیق ارائه و مورد توصیف قرار گرفته است و پس از آن، رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی تحلیل شده است.

الف) توصیف داده‌ها

در این بخش، یافته‌های تحقیق شامل مشخصات فردی پاسخگویان، میزان دینداری و سبک زندگی پاسخگویان به عنوان متغیرهای تحقیق ارائه و توصیف گردیده است.

۱- مشخصات فردی

یافته‌های تحقیق در ارتباط با مشخصات فردی پاسخگویان بیانگر این امر است که از مجموع ۶۴۰ پاسخگو، ۴۸/۶ درصد از آنان زن و ۵۱/۴ درصد آنان مرد می‌باشند. حد میانگین سن افراد مورد بررسی ۳۰ سال می‌باشد. شغل ۳۵ درصد مشاغل دولتی، ۲۰/۸ درصد آزاد، ۲۲/۶ درصد خانه‌دار و ۱۹/۴ درصد از پاسخگویان محصل و دانشجو می‌باشند. همچنین، ۲/۱ درصد از آنان نیز بیکار بوده‌اند. علاوه بر آن، سطح تحصیلات ۱۰/۲ درصد از پاسخگویان بی‌سواد یا ابتدایی، ۱۵/۱ درصد سیکل، ۳۷/۶ درصد دیپلم و ۸/۴ درصد فوق دیپلم و ۲۸/۷ درصد لیسانس و بالاتر می‌باشند.

۲- میزان دینداری

دینداری به رفتار دینی در برابر باورها و اعتقادات اشاره دارد. این مفهوم بیانگر کیفیت رفتاری است که شخص دیندار با آن تعریف می‌شود (غلامزاده بهبهانی، ۱۳۸۵: ۳۷). از میان مدل‌های سنجش دینداری، مدل گلاک و استارک مدلی چند بعدی است که نسبتاً جامع و فراگیر است و اغلب ابعاد مشترک میان ادیان را دربر می‌گیرد. این مدل شامل ابعاد: اعتقادی، مناسکی، تجربی، آگاهی و بعد پیامدی می‌باشد. بر این مبنا در این تحقیق برای بررسی میزان دینداری افراد از این مدل (فرجی، ۱۳۸۸: ۹۱-۸۹ و علیخواه، ۱۳۸۳: ۴۴۲) استفاده شده است. یافته‌های جدول ۲ توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان در هر یک از ابعاد یاد شده را نشان می‌دهد.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصدی میزان دینداری پاسخگویان در ابعاد تجربی، پیامدی،

آگاهی، اعتقادی و مناسکی

انحراف معیار	میانگین	درصد	فراوانی	میزان	بُعد	انحراف معیار	میانگین	درصد	فراوانی	میزان	بُعد
۱۱.۴۶	۶۲.۸۱	۲۱.۳	۱۳۶	کم	بُعد اعتقادی	۱۴.۸۲	۸۶.۷۱	۱۰	۶۴	کم	بُعد تجربی
		۴۸.۴	۳۱۰	متوسط				۳۱.۶	۲۰۲	متوسط	
		۳۰.۳	۱۹۴	زیاد				۵۸.۴	۳۷۴	زیاد	
		۱۰۰	۶۴۰	جمع				۱۰۰	۶۴۰	جمع	
۱۷.۵۸	۶۹.۱۱	۳۰.۹	۱۹۸	کم	بُعد مناسکی	۱۵.۳۳	۵۵.۷۴	۲۰	۱۲۸	کم	بُعد پیامدی
		۴۲.۸	۲۷۴	متوسط				۳۷.۲	۲۳۸	متوسط	
		۲۶.۳	۱۶۸	زیاد				۴۲.۸	۲۷۴	زیاد	
		۱۰۰	۶۴۰	جمع				۱۰۰	۶۴۰	جمع	
۱۰.۳۵	۶۹.۵۶	۲۴	۱۵۳	کم	دینداری	۱۵.۴۸	۷۳.۴۸	۲۸.۸	۱۸۴	کم	بُعد آگاهی
		۴۰.۶	۲۶۰	متوسط				۴۵.۶	۲۹۲	متوسط	
		۳۵.۴	۲۲۷	زیاد				۲۵.۶	۱۶۴	زیاد	
		۱۰۰	۶۴۰	جمع				۱۰۰	۶۴۰	جمع	

داده‌های جدول ۲، میزان دینداری پاسخگویان در ابعاد گوناگون دینداری را نشان می‌دهد. همانگونه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند بالاترین میزان دینداری در مؤلفه تجربی و رفتار دینی به میزان ۵۸/۴ درصد نشان داده شده است، متقابلاً، پایین‌ترین سطح میزان دینداری در بعد آگاهی دینی به میزان ۲۵/۶ درصد می‌باشد. در مجموع، میزان دینداری ۲۴ درصد پاسخگویان در حد کم، ۴۰/۶ درصد در حد متوسط و ۳۵/۴ درصد در حد زیاد نشان داده شده است.

۳- سبک زندگی

سبک زندگی، اموری را شامل می‌شود که به زندگی انسان اعم از بعد فردی و اجتماعی و مادی و معنوی او مربوط می‌شود. اموری مانند بینش‌ها و گرایش‌ها که اموری ذهنی یا رفتار درونی هستند و رفتارهای بیرونی (اعم از اعمال هشیارانه و غیر هشیارانه، حالات و وضعیت جسمی)، وضع‌ها (موقعیت‌های اجتماعی) و دارایی‌ها که اموری عینی می‌باشند. یافته‌های جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان در هر یک از ابعاد سبک زندگی را نشان می‌دهد.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان در ابعاد سبک زندگی

انحراف معیار	میانگین	درصد	فراوانی	میزان	توجه	انحراف معیار	میانگین	درصد	فراوانی	میزان	ابعاد
۱۱.۶۸	۶۸.۵۸	۳۳.۱	۲۱۲	کم	توجه به رفتارهای روزمره زندگی	۱۸.۴۳	۴۹.۷۵	۴۵.۶	۲۹۲	کم	توجه به نمادهای منزلی و تزجیه
		۴۶.۶	۲۹۸	متوسط				۴۳.۴	۲۷۸	متوسط	
		۲۰.۳	۱۳۰	زیاد				۱۰.۹	۷۰	زیاد	
		۱۰۰	۶۴۰	جمع				۱۰۰	۶۴۰	جمع	
۱۲.۳۵	۶۴.۵۱	۲۴	۱۵۴	کم	توجه به رفتارهای متعلقی	۱۸.۴۲	۶۶.۷۳	۱۹.۴	۱۲۴	کم	توجه به الگوهای رفتاری
		۱۷.۵	۱۱۲	متوسط				۵۴.۴	۳۴۸	متوسط	
		۸.۱۲	۵۲	زیاد				۲۶.۳	۱۶۸	زیاد	
		۵۰.۳	۳۲۲	بدون شغل				۱۰۰	۶۴۰	جمع	

۲۰۱ بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی... ۲۰۱

۱۲.۷۸	۵۲.۳۸	۳۴.۴	۲۲۰	ستی	زندگی	۱۶.۲۷	۷۰.۲۲	۲۳.۴	۱۵۰	کم	نقش‌های خانوادگی
		۵۵.۳	۳۵۴	نیمه ستی				۵۰.۳	۳۲۲	متوسط	
		۱۰.۳	۶۶	مدرن				۲۶.۳	۱۶۸	زیاد	
		۱۰۰	۶۴۰	جمع				۱۰۰	۶۴۰	جمع	

داده‌های جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان در ارتباط با هر یک از مؤلفه‌های سبک زندگی را نشان می‌دهد. همانگونه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند بالاترین میزان توجه افراد در ارتباط با سبک زندگی، مؤلفه نقش‌های خانوادگی با $۲۶/۳$ درصد در حد زیاد و میانگین $۷۰/۲۲$ می‌باشد. همچنین، توجه به نمادهای منزلتی با $۱۰/۹$ درصد در حد زیاد و میانگین $۴۹/۷۵$ در بین مؤلفه‌های سبک زندگی، کمترین میزان توجه افراد در جامعه آماری مورد بررسی را به خود اختصاص داده است. با توجه به یافته‌های تحقیق، در جامعه مورد بررسی، افراد بیشتر به خانواده و نقش‌های خانوادگی و نیز الگوهای رفتاری توجه بیشتری داشته‌اند و توجه به نمادهای منزلتی در حد زیاد تنها به میزان $۱۰/۹$ درصد می‌باشد. بر اساس داده‌های جدول ۳، $۳۴/۴$ درصد پاسخگویان دارای سبک زندگی سنتی، $۵۵/۳$ درصد سبک زندگی نیمه ستی و $۱۰/۳$ دارای سبک زندگی مدرن می‌باشند.

ب) یافته‌های تحلیلی

در این بخش، با استفاده از تحلیل دو متغیره و چند متغیره، رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱- تجزیه و تحلیل دو متغیره

در این بخش رابطه میزان دینداری و هر یک از ابعاد سبک زندگی در بین پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول ۴ یافته‌های تحقیق در ارتباط با رابطه متغیرهای یاد شده نشان داده شده است.

۲۰۳ بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی... ۲۰۳

									م
									ت
									س
									ط
									ز
									یا
									د
									ج
									م
									ع
sig=۰/۰۰۰ r _s =۰/۳۱۲			sig=۰/۰۰۰ r _s =۰/۳۲۴			r=-۰/۲۹۲ sig=۰/۰۰۰ s			آما ره

در جدول شماره ۴ رابطه بین میزان دینداری و هر یک از مؤلفه‌های سبک زندگی در بین پاسخگویان نشان داده شده است. یافته‌های تحقیق در ارتباط با رابطه بین میزان دینداری و الگوهای رفتاری، بیانگر این امر است که میزان توجه به الگوهای رفتاری در حد زیاد در بین افراد با دینداری در حد کم به میزان ۲۲/۷ درصد بوده است. با افزایش میزان دینداری افراد بر میزان توجه آنان به الگوهای رفتاری افزوده شده است، به گونه‌ای که این میزان در بین افراد با میزان دینداری متوسط و زیاد به ترتیب به ۲۸/۶ و ۴۰ درصد افزایش یافته است. متقابلاً بالاترین میزان توجه کم به الگوهای رفتاری در بین افراد با میزان دینداری کم دیده شده است. نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از

ضریب همبستگی اسپیرمن ($r_s=0/237$)، همبستگی بین دو متغیر یاد شده را در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار داده است.

در ارتباط با رابطه دینداری و نقش‌های خانوادگی، یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که میزان توجه به نقش‌های خانوادگی در بین افراد با دینداری کم به میزان ۱۸/۹ درصد بوده است، با افزایش میزان دینداری شاهد افزایش توجه به نقش‌های خانوادگی در بین پاسخگویان می‌باشیم. به گونه‌ای که میزان توجه به نقش‌های خانوادگی در بین افراد با دینداری متوسط به ۲۹/۵ درصد و در بین افراد با دینداری زیاد به ۶۰ درصد افزایش یافته است. در مجموع، یافته‌های تحقیق کمترین میزان توجه به نقش‌های خانوادگی را در بین افراد با دینداری کم و متقابلاً، بیشترین میزان توجه به نقش‌های خانوادگی را در بین افراد با میزان دینداری در حد زیاد نشان می‌دهند. نتایج آزمون اسپیرمن ($r_s=0/292$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار بین دو متغیر یاد شده را مورد تأیید قرار داده است. علاوه بر آن، رابطه بین میزان دینداری و هر یک از ابعاد مصرف‌گرایی و نقش زندگی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و متغیر قانون‌گرایی در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. در مجموع، با توجه به مؤلفه‌های گوناگون سبک زندگی، رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به ارقام و درصدهای جدول و نیز نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن ($r_s=0/312$)، همبستگی بین میزان دینداری و سبک زندگی افراد در سطح اطمینان ۹۹ درصد نشان داده شده است.

۲- تجزیه و تحلیل چند متغیره

در این بخش، از رگرسیون چند گانه به منظور تبیین مجموعه ابعاد دینداری بر سبک زندگی شهروندان استفاده شده است. رگرسیون چندگانه روشی آماری است که در آن حضور متغیرها در تبیین متغیر وابسته در کنار هم سنجیده می‌شود. برای رسیدن به

۲۰۵ بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی... ۲۰۵

چنین هدفی از روش رگرسیونی گام به گام^۱ استفاده گردیده است. در انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره در این تحقیق، در مجموع، ۵ بعد متغیر دینداری وارد معادله گردیدند. از میان ۵ بعد وارد شده در معادله، ۲ بعد در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار تشخیص داده شده و در معادله باقی مانده‌اند و سایر ابعاد از معادله خارج و حذف گردیده‌اند. نتایج مربوط به رگرسیون ابعاد دینداری مؤثر بر سبک زندگی پاسخگویان با روش گام به گام در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول ۵- ضرایب متغیرهای مستقل در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

Sig.	t	ضرایب استاندارد		متغیر
		Beta	Std. Error	
				مقدار ثابت
				اعتقادی
				آگاهی
F=۱۹/۲۵۶		P=۰/۰۰۰		R ^۲ =۰/۳۰۳

بر اساس جدول ۵ دو بعد اساسی دینداری شامل اعتقادی و آگاهی در شکل رگرسیونی باقی ماندند، بطوری‌که ضریب تبیین آن برابر ۳۰ درصد می‌باشد. همچنین شکل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده در جدول ۵ خطی است؛ زیرا مقدار آزمون F، برای تعیین معناداری اثر ابعاد دینداری بر سبک زندگی برابر ۱۹/۲۵۶ با سطح معناداری P=۰/۰۰۰ می‌باشد.

. Stepwise

در مجموع بر اساس اطلاعات جدول ۵ و با توجه به بتای استاندارد شده، اثر بعد اعتقادی دینداری بر سبک زندگی ۲۹ درصد و بعد آگاهی دینداری ۲۸ درصد می‌باشد. بر این مبنا مدل ابعاد مؤثر بر سبک زندگی عبارتند از:



مدل ۱- ابعاد مؤثر بر سبک زندگی

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، رابطه بین میزان دینداری و هر یک از ابعاد سبک زندگی نشان داده شده است. با توجه به نتایج فعالیت آماری مربوطه، رابطه میزان دینداری و هر یک از ابعاد نقش‌های خانوادگی، الگوهای رفتاری و قانون‌گرایی در سطح اطمینان ۹۹ درصد و ابعاد مصرف‌گرایی و نقش‌های شغلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید گردیده است. همچنین، رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی با توجه به نتایج آزمون اسپیرمن ($r_s=0/312$) در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفته است. علاوه بر آن، با توجه به نتایج تحلیل رگرسیونی با استفاده از روش گام به گام، از میان ابعاد گوناگون دینداری، ابعاد اعتقادی و آگاهی دینداری به ترتیب با ۲۹ و ۲۸ درصد بیشترین تأثیر را بر سبک زندگی افراد داشته‌اند. بر این مبنا، یافته‌های پژوهش با مباحث نظری دانشمندان و نتایج پژوهشی محققین نزدیکی و همخوانی دارد. همان گونه که در مباحث نظری اشاره شد، از دیدگاه بوردیو، وجود عناصر دینی در فرهنگ موجود در محل زندگی افراد، بر الگوی رفتار یا سبک زندگی افراد تأثیر می‌گذارد. زاكرمن

۲۰۷ بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی... ۲۰۷

(۱۳۸۵) دین را به عنوان عامل نیرومند تعیین کننده پدیده‌ها و رفتارهای انسانی و اجتماعی بیان نموده است که می‌تواند بر ارزش‌ها تأثیر گذارده و روابط را تحت نفوذ خود قرار دهد. بتیس (۱۳۷۵) معتقد است دین هرگونه نظام باورداشت‌ها، نمادها و مناسکی است که زندگی را معنادار و درک‌پذیر می‌سازد. پترسون و دیگران (۱۳۷۷) دین را نیرویی قوی در زندگی افراد دانسته و برخی صاحب‌نظران بر کارکرد حیات بخشی دین تأکید نموده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۱؛ بازرگان، بی‌تا). در مطالعه شجاعی‌زند بر نقش دین در تعریف ارزش‌ها و هنجارها، ارائه نظم اخلاقی، کاهش نومی‌های در زندگی و تعارضات ذهنی و تسکین رنج‌ها و افزایش ظرفیت تحمل‌پذیری افراد تأکید گردیده است. والت (۲۰۰۲) معتقد است، سبک زندگی راه و روش زندگی است که بیان کننده ایستارها و ارزش‌های یک فرد یا یک گروه است، از دیدگاه مک‌گی، ارزش‌ها و باورهای مشترک گروه یا جامعه در الگوهای سبک زندگی افراد و گروه‌ها تجلی می‌یابند (۱۹۶۹: ۸۱). ثیر (۱۹۹۶) بیان داشته است که ارزش‌ها و جهان‌بینی افراد و گروه‌ها در سبک و شیوه زندگی مردم انعکاس می‌یابد. استاجی و همکاران (۱۳۸۶)، سبک زندگی را بازتابی از ارزش‌های اجتماعی قلمداد نموده‌اند. در این ارتباط، شیوه زندگی به عنوان مجموعه عقاید و طرح‌ها و نمونه‌های رفتار در نظر گرفته شده است. علاوه بر مباحث یاد شده، در نتایج پژوهش تنهایی و خرمی (۱۳۸۸)، ارتباط معنادار میان باورهای دینی و سبک زندگی افراد تأیید گردیده است. همچنین در نتایج تحقیق خواجه نوری و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه سبک زندگی به عنوان پدیده‌ای مدرن، رابطه بین متغیرهای سبک مذهبی و برخی از مؤلفه‌های سبک زندگی به دست آمده است.

با توجه به اثرات دین و دینداری در جامعه، جامعه‌شناسان برای دین به عنوان نهادی اجتماعی کارکردهای خاصی را در نظر گرفته‌اند (طالبان، ۱۳۸۰). بر این مبنا، دین برای جامعه معنایی از اجماع را به وجود آورده و آن را تحکیم می‌بخشد. با توجه به کارکردهای اساسی انضباط بخشی، انسجام بخشی و خوشبختی بخشی دین (آلپر، به

نقل از گیویان، ۱۳۷۷)، باورهای دینی و مذهبی نقشی اساسی در شکل‌گیری و نوع سبک زندگی افراد و گروه‌ها در جامعه ایفا می‌نمایند. در این ارتباط، توجه به ابعاد گوناگون دین و دینداری، به ویژه عناصر آگاهی بخشی و تعمیق باورهای دینی در جهت تبیین سبک زندگی مناسب و مطلوب شهروندان ضرورت دارد. همچنان که راس، دین را از اساسی‌ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی (به نقل از کینگ، ۱۳۴۹) و شهید مطهری، ایمان را مایه امید و دلگرمی، خوب خواستن و ایمنی بخشی از اضطراب، تنهایی و احساس بی‌پناهی بیان نموده‌اند.

با توجه به موارد یاد شده، از آنجا که جامعه ایرانی، جامعه‌ای دینی است و افراد دیندار، شیوه زندگی و بسیاری از افکار و کنش‌های خود را براساس مفاهیم و باورهای دینی تعیین می‌نمایند، با استفاده از مفاهیم دینی می‌توان ابعاد گوناگون سبک زندگی از جمله الگوهای رفتاری، نقش‌های خانوادگی، پایبندی به ارزش‌ها و قانون‌گرایی و فرهنگ مصرف مناسب را ارتقاء بخشیده و متقابلاً با بهره‌گیری شهروندان از سبک زندگی مناسب در جهت تقویت مؤلفه‌های دینی و توسعه فردی و اجتماعی گام برداشت. در مجموع، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان اذعان نمود که در جامعه مورد مطالعه، میزان دینداری در بخش‌هایی از سبک زندگی به ویژه تعیین نقش‌های خانوادگی و الگوهای رفتاری نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است و پس از آن، دینداری تاحدی با مصرف‌گرایی تعامل داشته و با وجود تأکید دین بر عنصر تعادل در مصرف، دینداری نقش تعیین‌کننده و بسیار مؤثری در کنترل مصرف در جامعه نداشته است.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۶۴)، *مراحل اساسی مسیر اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۰۹ بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی... ۲۰۹

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *زندگی روزمره در ایران؛ زندگی روزمره، قدرت، و فرهنگ*، جهاد دانشگاهی تهران.

- ابوالحسن تنهایی، حسین؛ خرمی، شمس. (۱۳۸۹)، *بررسی رابطه جامعه شناختی باورهای دینی و سبک زندگی بر اساس نظریه و روش گافمن، مطالعه موردی کرمانشاه در سال ۱۳۸۸، پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره ششم.*

- ازکیا، مصطفی و حسینی رودبارکی، سکینه. (۱۳۸۷)، *تغییرات نسلی سبک زندگی در جامعه روستایی، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۷.*

- استاجی، زهرا و دیگران. (۱۳۸۵)، *بررسی سبک زندگی در ساکنین شهر سبزوار، مجله دانشکده علوم پزشکی و خدمات درمانی سبزوار، دوره ۱۳، شماره ۳.*

- الیاده، میرچا. (۱۳۷۵)، *دین پژوهی*، ترجمه: بهاءالدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم..

- انوری، حمیدرضا. (۱۳۷۳)، *پژوهشی راجع به تقدیرگرایی، پایان نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه علامه طباطبائی.

- بازرگان، مهدی. (بی تا)، *دین و تمدن*، تهران: انتشارات بعثت.

- باکاک، رابرت. (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه: خسرو صبوری، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.

- بندیکس، ر. (۱۳۸۵) *سیمای فکری ماکس وبر*، ترجمه: محمود رامبد، تهران: انتشارات هرم.

- بوردیو، پی.یر. (۱۳۸۰)، *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: انتشارات نقش و نگار.

- بیتس، دانیل. (۱۳۷۵)، *پلاک فرد، انسان‌شناسی فرهنگی*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

- پترسون و دیگران. (۱۳۷۷)، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه: احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، طرح نو، چاپ دوم.
- تنهایی، ابوالحسن. (۱۳۷۵)، *جامعه‌شناسی در ادیان*، یزد: بهاباد، چاپ اول.
- تنهایی، حسین. (۱۳۸۸)، *هربرت بلومر و کنش متقابل گرایی نمادی*، تهران: بهمن برنا.
- جوادی‌آملی، عبدالله. (۱۳۷۳)، *شریعت در آئینه معرفت*، بی‌جا، نشر فرهنگ رجاء.
- چنی، دیوید. (۱۳۷۸)، *سبک زندگی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- حمیدی، نفیسه، فرجی، مهدی. (۱۳۸۶)، *سبک زندگی و پوشش زنان در تهران: فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱.
- ذکائی، محمدسعید. (۱۳۸۶)، *فرهنگ مطالعات جوانان*، تهران مؤسسه انتشارات آگاه.
- رابرتسون، یان. (۱۳۷۲)، *دوآمدی بر جامعه*، ترجمه: حسین بهروان، آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- ربانی، رسول؛ نصراله پورافکاری؛ محمدصادق کریمی کیا. (۱۳۸۶)، *برخی موانع ذهنی توسعه در ایران، پژوهشی پیرامون سنت و مدرنیته در نظام فرهنگی دانشجویان، فصلنامه توسعه انسانی*، دوره اول، شماره دوم، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- رسولی، محمدرضا. (۱۳۸۳)، *بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، فصلنامه علوم اجتماعی*، سال دوم، شماره اول.
- رشیدی تبریزی، اسد. (۱۳۸۶)، *کارکرد دین در زندگی*، قم: تولی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، *آناتومی جامعه*، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.

۲۱۱ بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی... ۲۱۱

- زاکرمن، فیل. (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه شناسی دین*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: لوح فکر.
- شجاعی زند، علیرضا. (۱۳۷۶)، *مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین*، *بررسی جامعه شناختی مناسبات دین و دولت ایران اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- شکور، محمد جواد. (۱۳۵۹)، *خلاصه الادیان*، تهران: نشر نی.
- طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۰)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش آموز*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.
- علمی، قربان. (۱۳۸۶)، *بررسی منشأ دین و دینداری از دیدگاه علامه طباطبایی، آینه معرفت*، سال پنجم، شماره ۱۰.
- علیخانی، علی اکبر. (۱۳۸۳)، *هویت در ایران*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- علیزاده، سکینه. (۱۳۷۷)، *درآمدی بر مطالعات مردم شناسی دین، نمایه پژوهش*، شماره ۵ و ۶.
- علیخواه، فردین. (۱۳۸۳)، *سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی*، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، دفتر طرح های ملی.
- عمید، حسن. (۱۳۶۹)، *فرهنگ عمید*، تهران: نشر امیرکبیر.
- فاضلی، محمد.. (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، انتشارات صبح صادق.
- فرجی، مهدی؛ کاظمی، عباس: (۱۳۸۸)، *بررسی وضعیت دینداری در ایران*، با تأکید بر داده های پیمایش های سه دهه گذشته، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ششم.
- کینگ، ساموئل. (۱۳۴۹)، *جامعه شناسی*، ترجمه: مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم.

- گیبینز، ج. آ. و بوریمر. (۱۳۸۱)، *سیاست پست مدرنیته*، ترجمه منصور انصاری، تهران: انتشارات گام نو.
- گیویان، عبدالله. (۱۳۷۷)، *سنجش نگرش مردم تهران راجع به نقش و کارکردهای دین*، شورای فرهنگ عمومی، تهران.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹)، *انسان و ایمان*، تهران: انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم.
- مهدوی‌کنی، سعید. (۱۳۸۶)، *مفهوم سبک زندگی و گستره‌ی آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، سال اول، شماره ۱.
- میرزمانی، محمود و پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۳)، *سبک زندگی کارکنان نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش ج.ا.ا.*، سال ۲، شماره ۴.
- ناس، جان. (۱۳۵۴)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: پیروز.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر تبیان.
- هندری، ل. بی و دیگران. (۱۳۸۳)، *اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان*، ترجمه: فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، سازمان ملی جوانان، تهران: نسل سوم.
- وبلن، تورستن. (۱۳۸۳)، *نظریه طبقه تن‌آسا*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- یغمایی، محمد تقی. (۱۳۸۰)، *دینداری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Adler, A. (). *The individual psychology of Alfred adler*, New york: Basic BOOKS Inc. American heritage Dic. ().

- Bourdieu, P. (). *La Misère du Monde*, Paris, Seuil.
- Bourdieu, Pierre. (). *Distinction*, A Social Critique of the Judgement of taste, Routledge.
- (E.S.S.): Sills, David L. & Merton R. K. (). *International Encyclopedia of the social sciences*, New York, Macmillan, Vol & .
- Laamont, M. et al. (). *Cultural and Moral Boundries in the United States: Structura Position geographic location, and lifestyle explanations*, Poetics, Vol. . .
- Leslie, G. R. & Larson, R. F. & Gorman, B. L. (). *Introductory Sociology*, Oxford Un. Press.
- Mckee, J, B. (). *I ntroduction to Sociology*, Holt Rinehart & Winston Inc
- *Msn. Encarta Dic*, www.Msn.com ().
- O Brinn & rrrr gg & aa rti,, (). *Reading in General Sociology* , Houghton, Mifflin Co.
- Offrr A Avccerr rrrr rrr c cccc c ().
- Sobel, M. (). *Lifestyle and Social Structure: Concepts, Definitions, and Analyses*«
- Van Houten D. R. Thmpspn, J. D. (). *The Behavioral Sciences*, Addison-Wesley Pub.
- *Webster Online, Dic.*, ().
- *Webster Online, Dic.*, ().
- Wolman, B. (). *Contemporary Theories & System in Psychology*, Plenum Press.